**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه391 – 05/ 11/ 1399 روایت علی بن محمد القاسانی /اخبار /ادله /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسۀ سابق به بررسی سند روایت علی بن محمد القاسانی پرداختیم و در نهایت سند آن را پذیرفتیم.

در این جلسه به بررسی مفاد این روایت می پردازیم.

# بررسی مفاد روایت علی بن محمد القاسانی

متن روایت از این قرار است:

كتبت إليه و أنا بالمدينة عن اليوم الذي يشك فيه من شهر رمضان هل يصام أم لا فكتب ع اليقين لا يدخل فيه الشك صم‏ للرؤية و أفطر للرؤية[[1]](#footnote-1)

## بیان دو معنای منافی استصحاب در کلام شهید صدر

مرحوم صدر در مقام بیان مناقشات مربوط به این روایت، به دو معنای دیگر در روایت اشاره می کنند که این دو معنا منافات با استصحاب دارد:

### معنای اول: معنای مرحوم نائینی

معنای اول معنایی است که مرحوم نائینی بیان کردند به این که مراد از یقین و شک، یقین و شک در رمضان است و یقین و شک نیز به معنای متیقن و مشکوک است بنابراین روایت بیانگر این است که یوم الشک را داخل در ایامی که رمضان بودنش متیقن است قرار نده و مفاد این روایت مفاد همان روایاتی است که بیان می کند برای وجوب صوم، باید یقین به رمضان داشته باشیم.[[2]](#footnote-2)

#### مناقشۀ مرحوم صدر در معنای اول

مرحوم صدر می فرماید حتی اگر روایاتی به این مضمون داشته باشیم، حمل این روایت بر آن معنای مذکور خلاف ظاهر است چون حمل یقین و شک، بر یقین و شک در رمضان بدون این که در کلام سابق امام یا سائل ذکر شده باشد، خلاف ظاهر است بلکه مراد جنس یقین و شک است.[[3]](#footnote-3)

#### مناقشۀ مرحوم خوئی در معنای اول

مرحوم صدر دو اشکال از مرحوم خوئی نقل می کنند:

1. حمل یقین و شک بر متیقن و مشکوک خلاف ظاهر است.
2. نتیجۀ معنای مذکور این است که در یوم الشک آخر رمضان نیز نباید یوم مشکوک را در صف ایامی که رمضان بودنش متیقن است قرار داد و در نتیجه در آخر رمضان روزه واجب نیست در حالی که تفریع مذکور در ذیل روایت دال بر وجوب صوم یوم الشک آخر رمضان می باشد.[[4]](#footnote-4)

#### ناتمام بودن اشکال اول مرحوم صدر

اشکال اول مرحوم صدر برای بنده نامفهوم است چون ایشان می فرماید نه در کلام امام و نه در کلام سائل اشاره ای به یقین و شک متعلق به رمضان نشده لذا مراد از یقین و شک این یقین و شک خاص نبوده و به معنای جنس یقین و شک است، در حالی که در کلام سائل با فعل «یشک فیه من شهر رمضان» به روشنی به یوم الشک رمضان اشاره شده و به تبع شک در رمضان یقین به رمضان هم به ذهن خطور نموده و همین برای این که بتوان کلام امام را ناظر به یقین و شک در رمضان دانست کافیست لذا اشکال مرحوم صدر برای بنده نامفهوم است.

### معنای دوم: معنی مرحوم آخوند

مرحوم صدر به معنای دومی که در کلام مرحوم آخوند ذکر شده است، اشاره می فرماید:

الاحتمال الثاني: ما ذكره المحقّق الخراساني (رحمه الله) من أنّ ملاحظة روايات الباب‏[[5]](#footnote-5) تشرف الفقيه على القطع بإرادة معنىً آخر، بيانه: أنّ اليقين بدخول شهر رمضان موضوع لوجوب الصوم، و اليقين بدخول العيد موضوع لوجوب الإفطار كما ورد من قوله: «إيّاك و الشكّ و الظنّ» و قوله: «ليس بالرأي و لا بالتظنّي، و لكن بالرؤية» و ما إلى ذلك، فيقصد في المقام أنّه لا تدخل الشكّ في اليقين، أي: لا تلحقه به في الحكم، فإنّ الحكم بوجوب الصوم أو الإفطار يترتّب على اليقين بالهلال لا الشك‏[[6]](#footnote-6)

ایشان می فرماید ملاحظۀ روایات باب فقیه را به یقین می رساند که مفاد روایت، معنای دیگری غیر از استصحاب است و مضمون روایت عبارتست از این که موضوع وجوب صوم، یقین به دخول رمضان و موضوع حرمت صوم و وجوب افطار یقین به دخول شوال است و این روایت می گوید شک را داخل یقین نکن که مقصود از آن الحاق حکمی است یعنی حکم یقین را به شک نده.

مرحوم صدر می فرماید دو اشکال مرحوم خوئی به مرحوم نائینی، به بیان مرحوم آخوند وارد نیست چون اولا در کلام مرحوم آخوند یقین و شک به معنای متیقن و مشکوک نیست و ثانیا تفریع وجوب افطار بر ماقبل نیز تفریع صحیحی خواهد بود.

ایشان می فرماید تفریع وجوب صوم و افطار بر ماقبل بنابر حمل روایت بر مرحوم آخوند روشن تر از تفریع مذکور بنابر حمل روایت بر استصحاب است چون اگر مراد از عدم دخول شک در یقین استصحاب باشد وجوب صوم و افطار از لوازم استصحاب بوده و بر نفس استصحاب تفریع نمی شود چون مفاد مستقیم استصحاب بقای عدم وجوب صوم در یوم الشک ابتدای رمضان و بقای حرمت افطار در یوم الشک ابتدای شوال است که از لوازم این دو، وجوب صوم و وجوب افطار است، در حالی که طبق معنای ذکر شده توسط مرحوم آخوند، تفریع بر نفس عدم دخول شک در یقین است.

#### مناقشات مرحوم صدر در معنای دوم

ایشان می فرماید معنای مرحوم آخوند از جهات مختلف خلاف ظاهر است که عمده آن دو جهت است:

1. طبق این معنا مراد از یقین و شک، یقین و شک در رمضان و شوال است و حال آن که تعلق یقین و شک به رمضان و شوال در روایت مورد اشاره واقع نشده است و این مانند همان اشکالی است که به مرحوم نائینی بیان شد.
2. حمل دخول شک در یقین، بر دخول حکمی خلاف ظاهر است؛ بطور مثال وقتی گفته می شود «الماء لا یدخله التراب» ظاهرش این نیست که خاک حکم آب را ندارد بنابراین معنای ظاهر این روایت این است که خود شک داخل یقین نمی شود و یقین را از بین نمی برد یعنی همانطور دخول تراب در ماء باعث خراب شدن ماء می شود دخول شک در یقین نیز باعث خراب شدن یقین می شود پس مراد از عدم دخول شک در یقین، عدم نقض یقین است و این همان استصحاب است.

از کلام مرحوم آخوند استفاده می شود ایشان برای یقین موضوعیت قائل است در حالی که چنین موضوعی از روایات باب استفاده نمی شود.

و أمّا ما ذكره من إشراف الروايات للفقيه على القطع بما ذكره فغير صحيح، و لا توجد رواية واحدة تدلّ على موضوعية اليقين في المقام. و قوله: «إيّاك و الظنّ و الشكّ» و نحو ذلك لا يدلّ على موضوعيّة اليقين، بل يكون في مقام بيان أنّ قصد امتثال صوم شهر رمضان يجب أن يكون بنحو اليقين، فلا يصحّ الصوم بقصد صوم شهر رمضان مع الشكّ في دخول شهر رمضان.[[7]](#footnote-7)

#### بررسی مناقشات مرحوم صدر در بیان مرحوم آخوند

اشکال اخیر مرحوم صدر این بود که از روایات استفاده نمی شود یقین موضوعیت دارد در حالی که مرحوم آخوند قائل به موضوعیت داشتن یقین است؛ این اشکال ناتمام است چون از کلام مرحوم آخوند استفاده نمی شود که ایشان برای یقین موضوعیت در حکم واقعی قائل باشند و ممکن است مراد ایشان از این که برای وجوب صوم و افطار، یقین لازم است در ناحیۀ حکم ظاهری باشد و از روایات هم همین مقدار استفاده می شود که با عدم وجوب یقین به حسب تکلیف ظاهری صوم و افطار واجب نیست ولو در واقع ممکن است واجب بوده باشد.

 و ربما يقال إن مراجعة الأخبار الواردة في يوم الشك يشرف القطع بأن المراد باليقين هو اليقين بدخول شهر رمضان و أنه لا بد في وجوب الصوم و وجوب الإفطار من اليقين بدخول شهر رمضان و خروجه و أين هذا من الاستصحاب فراجع ما عقد في الوسائل‏[[8]](#footnote-8) لذلك من الباب تجده شاهدا[[9]](#footnote-9)

اشکال دیگر مرحوم صدر این بود که در روایت هیچ اشاره ای به این که یقین و شک به رمضان و شوال تعلق گرفته وجود ندارد لذا باید یقین و شک را به جنس یقین شک حمل کرد که گفتیم در کلام سائل به روشنی این مطلب به اشارت رفته است و این همان اشکالی بود که ایشان به مرحوم نائینی وارد کردند ولی ما نپذیرفتیم.

اشکال دیگر مرحوم صدر این بود که مراد از دخول، دخول حکمی نبوده و این خلاف ظاهر است ولی به نظر این می رسد این معنا غیر عرفی نبوده و اشخاصی همچون مرحوم فیض و مرحوم مجلسی که اشخاصی عرفی هستند در مورد صحیحۀ ثالثۀ زراره از تعبیر «لا یدخل الشک فی الیقین» همین دخول حکمی را فهمیده اند و مراد از یقین و شک را متیقن و مشکوک گرفته اند لذا از این جهت مشکل خاصی به نظر نمی رسد.

### توضیح معنای مختار ایت الله شبیری «دام ظله»

حاج آقای والد می فرمایند این روایت دلالت بر استصحاب به عنوان یک قاعدۀ عام اصولی ندارد چون در این روایت هیچ اشاره ای به یقین به حالت سابقه و شک در بقای آن که از ارکان استصحاب است نشده و صرفا به شک در رمضان بودن اشاره شده است که برای افهام استصحاب کافی نیست لذا طبیعی است که مراد امام علیه السلام از عدم دخول شک در یقین این باشد که در باب اثبات هلال رمضان و شوال شک موضوع اثر نبوده و تنها یقین است که تکلیف آور است لذا نباید به شک حکم یقین را مترتب کرد و ظاهراً این معنا بازگشت به همان معنایی باشد که مرحوم آخوند بیان فرمودند.

و قیاس این روایت به روایت «من کان علی یقین فشک» مع الفارق است چون در عبارت مذکور به یقین سابق و شک لاحق اشاره شده است.

### اشکال مرحوم روحانی بر دلالت روایت بر استصحاب

مرحوم روحانی در منتقی الاصول به این مطلب اشاره می کنند که چون در بحث صوم و افطار یقین موضوعیت دارد با وجود شک، دیگر حکم واقعی مقطوع العدم بوده و جایی برای استصحاب وجود ندارد.[[10]](#footnote-10)

#### پاسخ استاد به اشکال مرحوم روحانی

اشکال ایشان نامفهوم است چون یقین دخالتی در حکم واقعی نداشته و صرفا در وظیفۀ فعلیه دخیل است یعنی تا یقین نکرده اید به حسب ظاهر وظیفه ای ندارید لذا اگر شخص در ابتدای رمضان به خاطر شک در دخول رمضان روزه نگرفت و سپس معلوم شد آن روز، روز اول رمضان بوده به حکم اقض ما فات باید روزه واجبی که از او فوت شده را قضا نماید و این گونه نیست که چون شک در دخول رمضان داشته حکم واقعی مقطوع العدم باشد و در نتیجه تکلیفی از او فوت نشده و قضا هم نداشته باشد.

بله آن چه از روایات استفاده می شود این است که در یوم الشک ابتدای رمضان، شخص نباید به نیت رمضان روزه بگیرد که ممکن است اطلاقش اقتضا کند حتی نباید به نیت احتیاطی و احتمالی رمضان هم روزه بگیرد ولی این به معنای موضوعیت داشتن یقین نیست.

### معنای مختار استاد

اشکال حاج آقای والد بجا بوده و در این روایت هیچ اشاره ای به این که مراد از یقین، یقین به حالت سابقه است نشده ولی حتی با غمض عین از اشکال ایشان باز هم این روایت دال بر استصحاب بعنوان یک قاعدۀ کلی نبوده و می تواند به صدد بیان این باشد که در یوم الشکِ ابتدا و انتهای رمضان، باید به یقین عمل نمود و این حکم ممکن است دو مناط داشته باشد اولا باید به یقین عمل نمود و شک موضوع اثر نیست و ثانیا حالت سابقه در یوم الشک عدم دخول ماه جدید بوده و لذا به مناط استصحاب باید به این حالت سابقه عمل نمود.[[11]](#footnote-11)

خلاصه این که بیان مرحوم آخوند که همان کلام حاج اقای والد است بیان صحیحی بوده و روایت می تواند بیانگر این باشد که حکم یقین را به شک ندهید و شک را موضوع اثر قرار ندهید لذا این روایت بر خلاف نظر مرحوم صدر ربطی به استصحاب ندارد و مفاد این روایت همانند مفاد سایر روایات باب صوم بوده و بیانگر این است که در صوم و افطار تنها یقین موضوع اثر بوده و نباید شک را بلحاظ حکمی داخل یقین کرد.

البته در خصوص آخر ماه رمضان ممکن است گفته شود داخل ماه رمضان که شدید باید ادامه دهید تا ثابت شود از آن خارج شدید که فی الجلمه ممکن است به استصحاب ناظر باشد ولی از آن استفاده نمی شود که استصحاب بطور کلی در همۀ ابواب حجت است و همانطور که حاج آقا تعبیر می کنند از این عبارت استصحاب اصولی استفاده نمی شود و به تعبیری ممکن است بگوئیم این حکم به مناط استصحاب است ولی معنایش استصحاب بطور کلی نیست بلکه در استصحاب در خصوص مورد است.

بحث از این روایت به اتمام رسید.

1. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان) ؛ ج‏4 ؛ ص159 [↑](#footnote-ref-1)
2. أجود التقريرات، ج‏2، ص: 373 [↑](#footnote-ref-2)
3. مباحث الأصول، ج‏5، ص: 156 [↑](#footnote-ref-3)
4. مباحث الأصول، ج‏5، ص: 156 [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 3) راجع الوسائل: ج 10، باب 3 من أحكام شهر رمضان، بحسب طبعة آل البيت.

( 4) راجع الكفاية: ج 2، ص 298 بحسب الطبعة المشتملة في حاشيتها على تعليقات المشكيني. [↑](#footnote-ref-5)
6. مباحث الأصول، ج‏5، ص: 156 [↑](#footnote-ref-6)
7. مباحث الأصول ؛ ج‏5 ؛ ص157 [↑](#footnote-ref-7)
8. ( 6) وسائل الشيعة 7/ 182 الباب 3 من أبواب أحكام شهر رمضان. [↑](#footnote-ref-8)
9. كفاية الأصول ( طبع آل البيت ) ؛ ص397 [↑](#footnote-ref-9)
10. منتقى الأصول، ج‏6، ص: 122 [↑](#footnote-ref-10)
11. مقرر: کلام استاد در این پاراگراف قدری مشوش بوده و ممکن است مراد ایشان این باشد که حکم مذکور در این روایت می تواند به دو مناط باشد که یک مناطش همان استصحاب است ولی نه استصحاب بعنوان یک قاعدۀ کلی اصولی در جمیع ابواب فقه بلکه استصحاب فقهی خاص همین باب. [↑](#footnote-ref-11)